خطی شماره : ۱۹۱۶

نسخهٔ خطی : مجموعه (۴ رساله)
(فارسی، تاریخ و تذکرهٔ شاعران و عارفان، نثر و نظم)

زبان : فارسی، نثر و نظم.

سن: ۴۴۱

صفحات : ۱۶۴ ص.

کاتب : نستعلیق و تحریر

تاریخ کتابت : قرن ۱۱ هق.

مؤلف : ۱- داراشکوه، ۲- معین الدین چشتی

تاریخ تألیف قرن ۱۱ هق.

۱- سفینة الاولیاء (ص ۱-۵۷)
۲- مکتوب (عرفان) - (ص ۶۶-۹۹) (ص ۸۴-۹۹)
۳- سؤال و جواب داراشکوه و بابا والد بیراگی
۴- ترجمهٔ سامع الدعا (ص ۱۰۳-۱۶۴)

۴۹۲

کتابخانه گنج بخش
مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
اسلام آباد (م.ح.ب)

بسم الله الرحمن الرحیم

سوال عزیز که باد و بند چگونه فرق توان کرد جواب کامل
آنکه چنانچه بادشاه و حکم بادشاه یعنی باد و حکم در معنی
بهاییست سوال عزیز آنکه ازو را کلمه شریف آدم در بهشت
داخل میشود جواب کامل آنکه سا الواقعه در دم عظیم همچنان
ست اما شخصی که میانه قلب باشد چنانچه روبه
نقره پاک را صراف نگاه میدارد و قلب را می اندازد
وسکه بر هر دو واقعه است و پاک عزیز سوال عزیز
در ماهتاب روشنی چیست و سیاهی کیست و سفیدی
چه باشد جواب کامل آنکه ماهتاب در اصل زنگی شفا عیسی

نداردکه چیزی محض صاف است شعاع آفتاب در دو
می‌تابد سفیدی عکس دریا است و سیاهی عکس زمین
یار عزیز میگوید که اگر عکس باشد در آفتاب چرا نمی‌نماید
یار کامل میگوید که آفتاب مجموعه آتش است و ماهتاب
مجموعه آب است عکس در آب می پذیرد و در آتش نمی گیرد
سوال عزیز آنکه هرگاه بنده بد کار اکند قبول و نا قبول
چطور دانسته شود جواب آنکه اگر ریاضت کشیده
بر خود مغرور نشود و بگوید که از من چیزی نشده باید
دانست که چیزی کرده بود و کسی برداشت و شخصی
که ریاضت کند و بر خود اعتبار کند و مغرور شود باید
دانست که کرده در پس او ست و منتظر قبول نا قبول افتاد
و سوال عزیز آنکه فقیر را نا چار چه قدر توان گفت
جواب کامل که وجود از خوردن و پوشیدن و دیدن
و شنیدن و خواب کردن عادت دارد و در قید
او ست مگر که باید اینچنین چیزهای نشود و محتاج

این همه دهشت بعد از غفلت نگذرانند بیقید است سؤال
عزیزی که بت پرستی در عالم بعد حجت است و فرموده
تثبیت جواب کامل که این معنی برای استحکام دل
مقرر نموده‌اند شخصی که ازین معنی خبر دار است در صورت
وابسته صورت است ازین معنی معذور
از باطن آگاه نیست در صورت وابسته صورت است
چنانچه دختران ناکدخدای بر صور بازی خیال میکنند همان
قسم کار بت پرستی است ناکه از باطن آگاه نیست
در صورت بصورت وابستگی دارد هر گاه
از باطن آگاهی خواهد یافت از صورت خواهد
شناخت سؤال عزیزی که طریقه عالم را خوردن
و دیدن و خواب کردن و جمیع اعضای بکار
بردن است چنانی نهادان نیز اگر موافق این
جماعه نیستند اما ایلکم و زنانی بکار می برند پس در
طریقه عالم نهادان چه فرق توان کرد جواب کامل

چون کار بر این است

چون کار بدین است جانی نهادن نگاهبانی دل دارند
و عالم را از دست داده است چنانچه طفل و جوان در
خوردن و خواب کردن برابر اند اما طفل اگر زنان بیگانه
را در بغل گیرد عیب نیست و جوان بیگانه را اگر نگاه
کند صد عیب دامن گیر او می شود همچنان جانی نهادن
مانند طفل بیگند رانند و عالم طریق عالم است سوال
غیر آنکه بعضی میگویند که پیر من خسیس است اعتقاد
من بس است جواب کامل آنکه این حرف بنقصه
تعلق دارد و عالم غلط فهمیده است هر گاه که پیر
بهتر خواهد بود مرید بمراد خود خواهد رسید چنانچه
عورت اگر با مرد صحبت خواهد داشت اطفال بهم
خواهد رسانید اگر با خوجه سرایان از قسم دیگر الفت
داشته باشد محروم است سوال غیر آنکه مرید
در خدمت پیر غیر سید بهره مند نیست و طبع
بر خلاف می ورزد بعد ازان اگر بخدمت پیر دیگر

فایق میگردد از چه رهگذر جواب کامل چنانچه عورت
ناکتخدای از هیچ یکی شرم ندارد و بی محابا بجانب
هر کس نگاه میکند و هنگامی که صحبت مرد یافت
برقع شرم بروی غالب آمد سرنگون شده سوال غرض آنکه
در کتب هندوی آگاه نمودند که اوتار برای دفع ظالمان
و قطع طالبان و محو فطرت صافی نهادان و استحکام
و درستی مشهور خصوصا در ست جگ تمام ثواب بود
و در تریتا یکحصه عذاب و سه حصه ثواب و در دواپر قرار
بالمناصفه در کلجگ که اوتار سر [illegible] جلوه واقع گشته
محض برای منافع عالمیان و رفع ظالمان و نگاهبانی صافی
نهادان وارد گشته و صافی نهادان که سابق در عالم بودند
آنهارا همراه بردند و طریقه عالم بر راستی نماند حمل بر چه
توان کرد جواب کامل که اوتار محض برای این می شود
که طریق جگ گذشته را منسوخ سازد آینده را استحکام
محو فطرت صافی نهادان در صورت نشود که همراه برند طریقه

عالم کرم نزد چهارم

عالم که مرتبه چهارم آخرست موافق همان بکار برد سوال عزیز آنکه
در جواب دفتی که عالم را خوابست در صورت خواب که ازان
سربز گویند بعد ازان که سربز باشند حالی نهادان کجا می باشند
و عالم در کجا جواب کامل حالی نهادان در مقام جبروت که
سکهویت باشد استقامت می ورزند و عالم در بیهوشی است
از بیداری و خواب محروم است و از جبروت هم محروم
پس شخصی که در بیداری هوشیاری است در خواب نیز
همان روز کار و آنها که در بیداری غفلت دارند در خواب
همان بینند سوال عزیز میگوید هر گاه عالم در بیهوشی رفت
بعضی از خواب که بعد از بیداری یقین می شود چه توان دانست
جواب کامل که در خواب نیز جمال و جلال که شاملک و در ادراکش
دانش باشد جای در اندیشش هرچه در ادراکش و تماشا
ظهور می آید باطل محض است و آنچه در شاملک می پذیرد
در بیداری ظاهر میگردد سوال عزیز آنکه از آنجا که چون کسی را
از میم خواهش تبدیل مکان که در معنی او بار باشد دست

مینماید و جوگ کامل والا سلطنت عظیم میشود و چون درجاکه
ریاضت جوگ سبب اصلاح و صفت در میان نیست و
بعد ازان که در صورت سلاطین میشود تنبیه و تادیب
و بند بست زدن و کشتن در میان می آید هر گاه که در آن
وقت آثار این معنی مشعر بحال باین هم فرا داد از انجا
بهم رسد جواب کامل فی الواقعه جا نیست اما قیاس باید
کرد که وجهت جنگ جدل در براه برابر جوگ اینچنین ندارد
که درین معنی روز و شب با خواص جمع او ... روز
جنگ تازه در میان است در همین اثنا خواص
بجانه بنام رسانند در امور انصاف در هر جا که کذب
و دروغ و خواهش ناشایسته را اثری باید فهمی قوی
دانسته تنبیه میرسانند سوال غیر از انکه چون ظاهر میشود
که در راج جوگ چگونه اعتبار توان کرد که در راج جای
از مشغله الانس دنیا نیست جواب کامل تا تاثیر تعالیست
که در راج جوگ بوقعی میشود ازینجاست که هر گاه میل

محمد اکمل ابن [illegible]

صحبت اهل باشد چراکه فایض از دنیا جوک ست وفیید
دنیا دنیاست پس قیاس باید نمود که عشق تاچه که خواهش
صحبت اهل می شود دنیا را درانوقت دخل نمی شود همان
قدر جوک ست سوال عزیز انکه چون اگر خواهش فقیر در
خاطر ست در مردم برای افزونی عزت خود در درویشان
لباسیی می آید و دست آخر حقیقت انها ظاهر میشود
ازین معنی خاطر نهایت مکدر میگردد و بلک میخواهد
که از صحبت انها احتراز ورزد جواب کامل انکه این
راه را اختیار کند باید کرد اهل الله از همین کذر دارند چنانچه مشهور
چنانچه کسی همین رنگ ملاحظه میکرده باشد بار پس
بدست برسد و نیز از صحبت درویش که قیاس
مخلص در می آمد نیز الشان را ثواب عظیم ست آخر
که از نیت راه بمکان خود برسند مردم خدمت و پرستش
او بسیار میکنند ثواب بی شمار سوال عزیز انکه در خالق
و خلق چه فرق توان نمود نیز از شخصی پرسیده بودم او

در جواب اظهار ساخته چنانچه درخت سیب و تخم
درخت ها همچنان سیب با خطور جواب کامل درخت
و تخم تفاوت ندارد که لازم ملزوم سیب خالق و خلق
مانند دریای آب کوزه اگرچه در ذات یکیست اما در
اندازه تفاوت باشد جواب کامل که هیچ تفاوت
نیست باز عزیز میگوید که اگر تفاوت نیست پس از ثواب
و در عذاب چون درآید جواب کامل تأثیر قالب سبب است
چنانچه گنگ و آب گنگ باز عزیز میگوید که در یکجا چه تفاوت
توان کرد کامل میگوید که تفاوت بسیار است و از جمله
نا شمار چرا که آب گنگ اگر در کوزه درآید یک قطره شراب
در او افتد حکم شراب دارد و اگر در گنگ صد هزار کوزه
شراب به اندازد همه گنگ است در خصوص برم ایمان
خالص است و مخلص را ایمان در تقلید دخل دهد گاه و جود
گذارد برم ایمان میشود تا در خود سیب الا است
سوال عزیز آنکه چو کسی را کجا توان دانست جواب کامل

در جائی که آغاز نشئهٔ خواب و در بیداری بدانید چگونه تمام
عالم را جواب میکند اما از هنگام آغاز آن واقف نیست
که در چه وقت گرفته و فقط به این حالت بروز
و هر که بدانند شد هر توان دانست سر آن چیز که بر ماله
لا هو لیس در کدام جا ظهور دارد جواب کامل است آنجا
در سند هر مهاپور که در طفل و در شرابی خور عیان
بار غیر میگوید که در سند هر بد اظهر من الشمس است
اما در طفل و در شرابی خور چگونه اعتبار توان کرد بار
کامل میگویند که بر ما در اصل از خود گذشتن نیست
در حضور بت بهر کس می باشد عاقبا در سند هم
مهاپور که خیلی سده که به هوش فقط در همه جا ظهور دارد
و کار میکند و در هیچ حالت و در طفل و مخموری باکی
بسی دلیل دارد الا حواشیها در دو بوده فقط بعد از
خمار بر می آید چو لیکن همه در خمار می باشد اما سند هم بر هم
از همه واقعه است عاقبا از مهاپور که همه لیک تا سر میکرد
[illegible]

از آنها هم برکند اما یارای شکست ندارد سؤال
عزیز آنکه در کتب هندوی خبر میدهند که هر کس در دریای
را خدمت نماید تا شک حکمت می یابد از نیم معنی
تعجب می آید که احوال زاهد و معصیت کننده مساوی
باشد جواب کامل آنکه در اصل کاسی و خوش فرماینده
اند هر که در وجود بمیرد دانسته باید از عزیز میلو بر که چند
تمام عالم می میرد پس آن هم حکمت مشهود بار کامل میگوید
غیر از مها نور که همه در وجود هیچکس نمی میرد و هم در وجود
خواهش می میرد خواهشی از وجود علحده سبب خواهش
میمیرد تا از حکمت محروم می ماند سؤال عزیز آنکه بر کم
ایمان حیوانان چگونه باشد و باز بر مرم ایمان چگونه شود
جواب کامل چنانچه از آب شراب شیشه انرا اگر در زمین
ریزند الا الایش مستی و چیست را بر زمین می گذارد
و آب خالص در زیر زمین رود باز آب است همان
فهم آدم که حیوانان باشد هر گاه الایش مستی

دازنی

و خواهش حس در وجود کند ز بحث بپوند در روزی
عزیز در پی سوال کامل حاضر بود از همچنانکه گفتار بهتر دار
تعلق دارد بعد از اشتهار اینمقدمات کامل خان مرتش
ماند عزیز در پی سوال در آمد در صورت کامل آغاز سخن
کرد که گفتار را در هر سوال و جواب مبنا الیه گفته بود
تا انجا بر کشد که در جمیع کتب مذکور در میان است
و درست آخر همون دارد در بشر عاما لذا آنکه اصفا
بهم میرسد ساعتی برو توقف باید داشت اول
در میان اسود ساکبرد و مزه برای خود بهم رساند و مطالب
دریابد فیض میشود سوال عزیز ظاهر را در اماین مذکور است
هنگامیکه سری رامچند جیو لنکا را فتح نموده لشکر بسیار
از هر دو طرف قتل رسید بعد از فراغ ان بارش
آب حیات کردند از طفیل ان لشکر سری رامچندر جیو
تمام برخاست و زنده شد و لشکر راون که بعکیه
فنا رفته بود بر نخاست پس چه توان گفت اولا

آنهیر آبحیات است چه نسبت که بر هر مرده برسد زنده شود
در بم سری رامچند جیو را با جکس یگانگی و بیگانگی
نبود زنده شدن یک طرف و مردن طرف دیگر
چه معنی دارد جواب کامل را انجا که هنگامه ارم آراسته
بودند لشکر راون انس در دست خیال سری
رامچند جیو در دل داشتند و لشکر سری رامچند جیو خیال
راون لنبس فایده آنست که از تصور صور خاص
خاصی بها دان آدم آزاد که ملکت باشد بقا قامت
در نمی آید و لشکر سری رامچند جیو که در جنگ بکار آمده
بودند برخاستند از آبحیات شنیدند و زنده شد سوال
عزیز که هر گاه راون سیتا جیو را بخانه خود چون محرم ماند
جواب کامل که در اصل سیتا جیو صورت وهم بود
با صورت سری رامچند جیو الفت داشت با دیو چه
نسبت باز عزیز میگوید که دیو هر صورتی که میخواهد میگیرد
چرا که بکبر د جواب کامل که هر گاه راون صورت سری

رامچند جیو

را مجذوب چو پوست خاصیت سری را مجذوب چو دارد
اثر نگیرد و از عذاب نمی‌کشد و هرگاه بصورت
اصلی خود در می‌آید خیال فاسد داشت سؤال عزیز
که دهان جنبش و سماده چه باشد جواب کامل
که دهان گرفتن و سماده گذاشتن از چه رو اندر که
دل مانند آهو صحرای ست هنگامیکه در شکار می‌آید
ننه با بهانه بسیار می‌کند اما بعد از قید که از جنس نیست
میگیرد دوست صحرای آسوده میشود او در پیمان
رامی گذارد و این عقب نمی‌گذارد همان قسم دل
در هنگام گرفتن ننه تاب و بعد ازین که بتاب می‌آید
در حلم حاضر ست پس گرفتن دهان و گذاشتن سماده
سؤال عزیز آنکه دل عبارت از جرأت باشد گفته
که فایده او میرسد بعد از آنکه شخصی در خلق جرأت
جرأت کند و از هاجی بتر گذارد در قلوب غالب
داخل گردد بعضی جزهای که قصد بعالم تعلق دارد

باد چه طور می‌شد جواب کامل که اصل کرد اد حاجت
آدم درسته کون دارد آب می کند اگر دان در سانک
کرده است بانکی و اگر زیر اجسن کرده بر اجتماع داد اگر نامش
توان نصیحت می داشت سانک چیزی نیست که آدم
را برای خدمت حیوانات نگاه دارد و نامش چیزی است
که آدم را برای نصیحت که کونک زده منحوار انده سوال
عزیز هر گاه روان سنتیا جیو را بخانه خود برد بعضی که
سنتیا جیو را از همین معنی و عرصه بسیار خورده باشد
چرا که راون را از آتش عرصه موجب جواب کامل
که سنتیا جیو در اصل سانک بود هر چه که عرصه را طلب
میکرد بیش او نشد سوال عزیز آنکه بهم جلوه توان
گفت جواب کامل از همین معنی که در همه جا است
و معلوم نیست که از کجا می آید و آگاه نیست که در همین
استقامت می ورزد و صورت ندارد و رنگ
ندارد همه رنگی است چنانچه مثل مهابور کهنه بطفل میدهند

[illegible]

بهمت تمام شد نسخهٔ نوشت شاهزاده دارا شکوه
که سوال عز قرار داده پرسیدند و جواب کامل
با بابا لال بیراگی که در جهار بند دست ساختند مهارنهٔ درانست

بهمت تمام شد

بیت

الحب باید این هفت نقش را بر کاغذ بنویسد بنام خود و نام مادر گرد اسم دلبر

و مادر او و پیکان یار برد جمعه بعد از نماز جمعه در آتش اندازد لیکن

بر [illegible] شود ... فلان بن فلان فلان بنت فلان ...

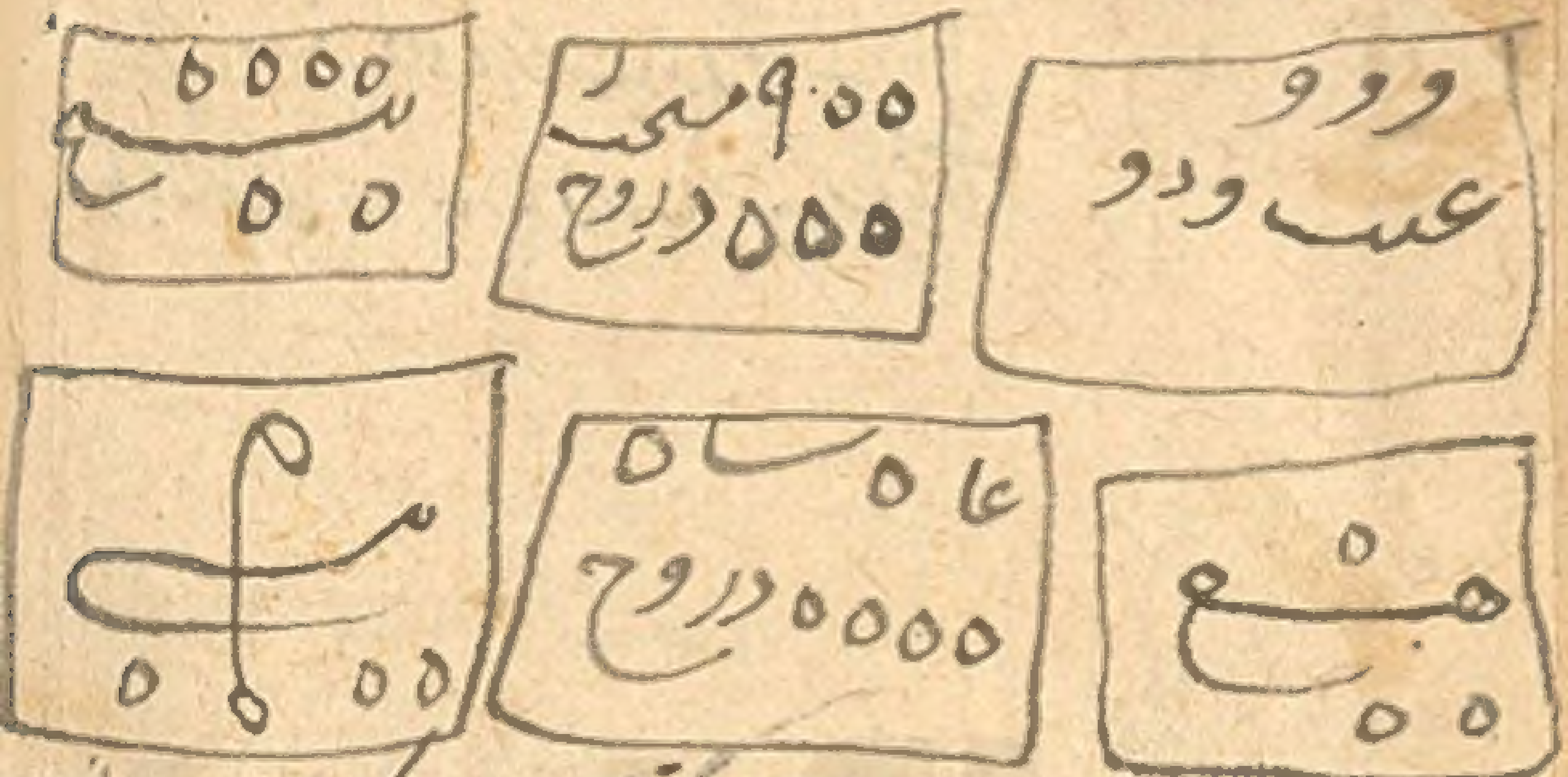

الحب باید این نقش را بر جامه ... بنویسد

در جمعه بعد از نماز ... در آتش اندازد

بکام دلی ... قرار نیابد

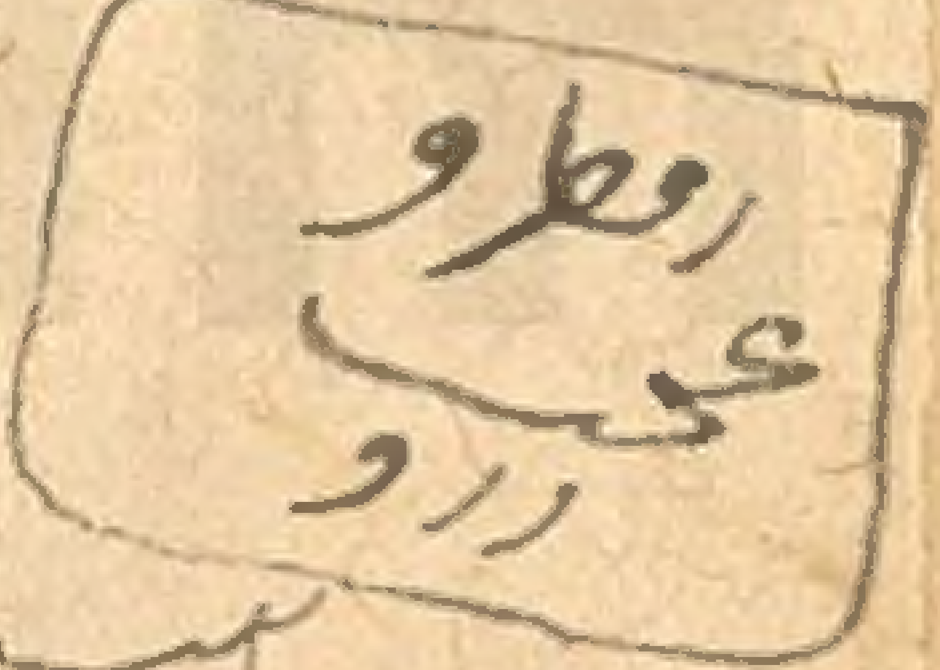

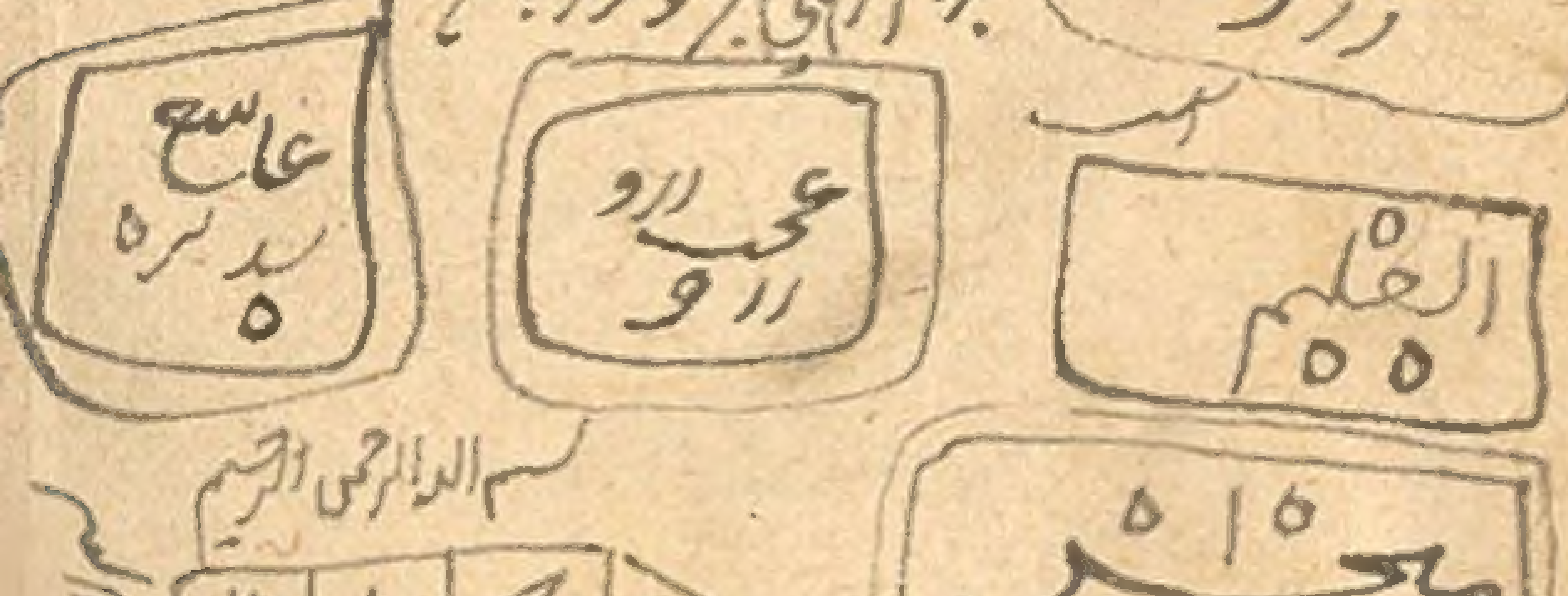

بسم الله الرحمن الرحیم

٦	١	٨
٧	٥	٣
٢	٩	٤

این نقش را با برده ... بر کنند در آتش ... بسوزد ...

نقش بنویسد ... فلان بن فلان ... فلان ...

هفت بار بر این حرف خوانده بود دو دست کوفتی نام هر دو کس را بگرداند

سهما انما فی الدنیا حسبه یا و حال الطالحین من الصالحین بلیک کرد

ای اسم غیبا بخواند کور دو دست وخفتی بکوبد کو فتم دل و جان فلان بن فلان

علی حب فلان بن فلان این بنشت فانه علی ذلک شهید و انه حب

الخیر لشدید بر هفت برگ کاه نالہ نوشته بر کس بکشه انداز در وقت

اندا خفتن خطوه نوشتن نماید ای است

علا کام

ع

طح

شحو سه

سحو سه

سبع

مع صو